

جایگاه علم در سطوح مختلف قصد در حقوق کیفری ایران

عارف رشنودی*

علی دهقانی**

یوسف احمدی***

چکیده

رکن روانی مرتکب به عنوان یکی از پرچالش‌ترین ارکان سازنده در باب تحقق جرایم، در حقوق کیفری ملی است. در سیستم حقوق کیفری ایران تا قبل از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، موضوع علم مرتکب، هیچ‌گاه به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته بود، در قانون مجازات اسلامی در ذیل رکن روانی، به علم مرتکب برای تحقق جرایم و توجه مسئولیت کیفری نسبت به مرتکبین اشاره است. اما با این وجود، پیش بینی این مقررات، به علت استفاده از عبارات مبهم در تعریف علم، همچنان این امر از حیث مفهوم‌شناسی با چالش مواجه می‌باشد. از این رو در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی این موضوع بررسی شده، و دستاوردهای این پژوهش شامل مشخص نمودن؛ مفهوم علم در حقوق کیفری ملی می‌باشد.

واژگان کلیدی: مفهوم علم، رکن روانی، سطوح مختلف قصد، حقوق کیفری.

* دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، قاضی دادگستری، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)

arefrashnudi@gmail.com

** دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، قاضی دادگستری و رئیس دادگستری ایلام، ایلام، ایران

dehghanidad@ymail.com

*** کارشناسی ارشد حقوق و جزا و جرم‌شناسی و قاضی دادگستری، شیراز، ایران

jozef.ahmadi@yahoo.com

مقدمه

علم یا آگاهی در کنار اراده، به عنوان اجزا تشکیل‌دهنده رکن روانی، نقش اساسی در سطوح مختلف قصد دارد، به گونه‌ای که علم در برخی موارد در کنار ارکان اهلیت جزایی مورد بررسی قرار می‌گیرد، در برخی موارد به عنوان یکی از اجزا سازنده رکن روانی موضوع مطالعه می‌باشد. در واقع عنصر شناختی علم یا آگاهی در برخی موارد جایگزین عنصر ارادی می‌گردد. به عبارت دیگر، در مواردی که علم و آگاهی نسبت به نتایج طبیعی رفتار مجرمانه به صورت یقینی وجود دارد، اگرچه هدف اصلی مرتکب، ارتکاب جرم دیگری باشد، اما نتیجه مجرمانه‌ای که در دل هدف اصلی قرار دارد و مرتکب هیچ اراده‌ای نسبت به آن ندارد، تحقق می‌یابد. در این حالت علم و آگاهی پوشش‌دهنده عنصر اراده است و نتیجتاً جرم ارتكابی علی‌رغم عدم وجود عنصر اراده، عمدی محسوب می‌شود. در این رابطه قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی به صورت محدود، در جرایم مقید، به علم به وقوع نتیجه اشاره نموده است. از طرف دیگر با توجه به اینکه سطوح مختلف قصد، به وسیله دو عنصر علم و اراده مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که کیفیت علم و اراده در سطوح مختلف قصد همواره یکسان نیست، از این رو بررسی جایگاه علم و کیفیت آن در سطوح مختلف قصد، از جمله موارد اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش است. بنابراین با عنایت به مراتب یاد شده، در این پژوهش تلاش و هدف براین است که مفهوم و جایگاه علم در سطوح مختلف قصد، با توجه به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در رویه قضایی حقوق کیفری مشخص گردد.

۱. مفهوم علم در حقوق کیفری ایران

علم در لغت، به معنای دانستن، یقین کردن و دانش آمده است (معین، ۱۳۷۱: ۷۷۲). آگاهی به عنوان مترادف علم نیز در معنای، علم، معرفت، اطلاع و خبر ذکر شده است (همان: ۶۲). از دیدگاه برخی از فلاسفه، علم از کیفیات نفسانی است که هر کس آن را آشکارا در خود می‌یابد (صدرالمتألهین شیرازی: ۲۲۹). بنابراین همچنان که شخص می‌داند لذت و درد و گرسنگی و تشنگی به چه معناست، معنای علم را نیز درک می‌کند. منظور از آگاهی، آگاهی نسبت به موضوع است؛ یعنی مرتکب باید نسبت به رکن مادی جرم علم داشته باشد که فقدان آن

سبب تزلزل رکن روانی می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۶۵). این امر که، آیا آگاهی جزئی از اراده محسوب می‌شود یا خیر از دیرباز ذهن محققین و اندیشمندان را به خود مشغول کرده است. ارسطو عملی را ارادی می‌دانسته که فارغ از اجبار و با علم و آگاهی باشد (برنجکار، ۱۳۸۰: ۱۳۹).

علم یا آگاهی به عنوان یکی از اجزای رکن روانی جرایم، عبارت است از یقین و دانش که مربوط به مرحله مجرمیت و تحقق جرم است و دامنه آن در مورد اجزاء رکن مادی است^۱. برای علم و آگاهی تعاریف مختلفی توسط دکتربین حقوق کیفری

۱. تحلیل و بررسی فرض علم و آگاهی بر امور حکمی: با عنایت به متن ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، چنین می‌توان نتیجه گرفت که بر اساس مقررات کیفری ایران، عذر جهل به قانون دفاع محسوب نمی‌شود. مگر در این موارد: ۱- جهل به مقررات مدنی و اداری و سایر قوانین، زمانی که موجب زوال سوءنیت مجرمانه باشد. برای مثال در جرم خیانت در امانت زمانی که مرتکب به اعتقاد اینکه امانت‌گذار حقی به مال ندارد و مال متعلق به شخص دیگری یا خود امین می‌باشد، از استرداد آن خودداری می‌کند، سوءنیت لازم برای این بزه وجود ندارد. همچنین در موردی که یک مدیر دولتی با برداشتی اشتباه از مقررات دولتی و تفسیری غلط، بودجه را هزینه کرده باشد سوءنیت لازم برای جرم تصرف غیر قانونی را نداشته است. ۲- عدم امکان تحصیل علم، به موجب ماده مذکور، جهل به حکم مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد. در اینجا صرف جهل برای موثر بودن این دفاع کفایت نمی‌کند، بلکه مرتکب می‌بایست توانایی کسب اطلاع را نداشته باشد. در حقیقت منظور قانونگذار این است که مرتکب جاهل قاصر و نه جاهل مقصر باشد. قانونگذار به جای اینکه از قید «بطور متعارف» یا «عرفاً» استفاده کند، قید عادتاً را آورده است. با به کار بردن کلمه عادتاً معلوم نیست که ملاک قانونگذار برای تشخیص این امر ملاک عینی است یا معیار ذهنی و شخصی؛ کلمه «عادتاً» با توجه به معنای لغوی آن ناظر به تکرار رفتار فردی است؛ مگر اینکه منظور قانونگذار عادت افراد جامعه باشد، نه متهم خاص، که در این صورت عادتاً به همان معنای عرفاً است. ۳- در جرایم مستلزم حد: با توجه به مواد ۲۱۷ و ۲۱۸ ق.ا. در صورتی که مرتکب جرم حدی آگاه از حرمت عمل ارتکابی نباشد مسئولیتی ندارد. براساس ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی در جرایم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید، در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود ... ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود. نتیجه آن که قانونگذار احتمال صدق گفتار را برای نقض فرض علم و آگاهی کافی دانسته است بنابراین اگر متهم ادعای عدم اطلاع از حرمت عمل را بنماید، فقط در صورتی که هیچگونه احتمالی بر صدق گفتار وی داده نشود، ادعای وی قابل پذیرش نمی‌باشد. نکته قابل توجه در اینجا، اینکه قانونگذار در جرایم مستلزم حد، جهل به حرمت را مانع محکومیت به مجازات حد می‌داند؛ ولی در جرایم دیگر، جهل به مجرمانه بودن عمل یا میزان مجازات را از موانع محکومیت به مجازات حدی نمی‌داند. (خالقی، درودی، ۱۳۹۴، ۱۳-۱۴).

ملاحظه می‌گردد، به طور کلی در حقوق کیفری، فرض علم و آگاهی، چه راجع به امور حکمی و

چه راجع به امور موضوعی، با توجه به اهداف و ویژگی‌های آن، نمی‌تواند قطعی و غیرقابل رد باشد. قانونگذار ایران نیز تحت تأثیر گرایش‌های جدید در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ فرض علم و آگاهی نسبت به قانون را به طور کلی نسبی و قابل رد دانسته و دامنه پذیرش خلاف این فرض را افزایش داده است. اکنون با توجه به ماده ۱۵۵ قانون مزبور و تنها تفسیری که می‌توان از بخش اخیر این ماده داشت، مواردی که فرض علم و اطلاع نسبت به قانون نقض می‌گردد و ادعای خلاف آن از متهم (جز در جرایم مستوجب حد) پذیرفته می‌شود؛ عبارتند از: ۱- در مواردی که علم به قانون غیرکیفری از شرایط رکن معنوی و سوءنیت جرم می‌باشد؛ مانند عدم اطلاع از مقررات قانون مدنی، در جرایمی نظیر جرایم مالی ۲- در تمام مواردی که مرتکب نسبت به کسب علم و آگاهی از قانون قاصر باشد (تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد) ۳- در جرایم تعزیری که در منابع فقهی برای آنها مجازات خاصی تعیین شده یا حرمت آن اعلام شده است نیز همانند جرایم مستلزم حد، جهل به حکم مانع مجازات محسوب می‌شود. با توجه به متن ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی و تفسیری که از آن می‌توان ارائه داد؛ به نظر می‌رسد قانونگذار، در مواردی که جرم شناختن رفتار و تعیین مجازات از متون فقهی اقتباس نشده و بر اساس مصالح اجتماعی و حکومتی مجازات تعیین شده باشد، چنانچه جهل به قانون ناشی از تقصیر مرتکب باشد؛ در حکم علم به قانون فرض گردیده و این فرض قطعی و غیر قابل رد می‌باشد (میرزائی، خالقی، ۱۳۹۹، ۱۳).

علم یا آگاهی در کنار قصد، ارکان تشکیل دهنده رکن روانی جرایم محسوب می‌شوند. علم یا آگاهی نیز ابعاد مختلفی دارد. از جمله علم موضوعی (علم به ماهیت رفتار ارتكابی و اجزاء تشکیل دهنده عملیات مادی) و علم حکمی (علم به وصف مجرمانه رفتار ارتكابی). در مقابل علم، جهل قرار دارد. جهل نیز بر دو قسم حکمی و موضوعی است. جهل حکمی نیز دارای اقسامی به این ترتیب است. الف- جهل حکمی مستقیم: این نوع جهل مربوط به حالتی است که مرتکب نسبت به اصل حکم کیفری موجد جرم جاهل می‌باشد. به عبارت دیگر هنگامی که یک قانون، به طور صریح و بدون ارجاع به قانون دیگر، رفتار فرد را جرم‌انگاری کرده، اما فرد نسبت به این حکم جاهل بوده و مرتکب آن رفتار مجرمانه شده است. ب- جهل حکمی غیر مستقیم: این نوع جهل مربوط به حالتی است که در یک حکم کیفری، بطور صریح یا ضمنی به حکم دیگری ارجاع داده شده و مرتکب نسبت به حکم اخیر جاهل است که نوع جهل خود به دو نوع تقسیم می‌گردد. ۱- جهل حکمی غیر مستقیم غیر کیفری؛ این نوع جهل، مربوط به حالتی است که یک قانون کیفری به صورت صریح یا ضمنی، به قانون دیگری که غیر کیفری است ارجاع شده است و فرد در حالی مرتکب آن رفتار می‌شود که به آن قانون غیر کیفری جاهل است. مثلاً شخصی می‌داند که ترک انفاق جرم است اما گمان می‌کند که نفقه منحصر به خوراک و پوشاک است و با این گمان نادرست فقط هزینه خوراک و پوشاک را وجه را تأمین نماید اما ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی هزینه بهداشتی و درمانی را نیز جزء نفقه می‌داند. ۲- جهل حکمی غیر مستقیم کیفری؛ این نوع جهل، مربوط به حالتی است که یک قانون کیفری بصورت صریح یا ضمنی، به قانون دیگری که کیفری است؛ ارجاع شده است و فرد در حالی مرتکب آن رفتار می‌شود که به آن قانون کیفری جاهل است. به عنوان مثال شخصی به وصف مجرمانه جرم تخریب آگاه است اما تصور می‌کند که اقدام تخریبی وی مشمول علت موجهه اضطرار است اما نمی‌داند که شرایط تحقق اضطرار، رعایت شرط تناسب است، در نتیجه عمل وی که این شرط در آن رعایت نشده، مشمول این معافیت

مطرح گردیده است. از جمله این تعاریف اینکه علم و آگاهی در حقوق کیفری به عنوان یکی از اجزا سازنده رکن روانی به معنای اطلاع و شناخت مرتکب از حکم و موضوع یک رفتار ناقض قوانین کیفری است (آقایی جنت مکان، ۱۳۸۶: ۲۹۵). در تعریف دیگر، آگاهی و علم را راه معرفت فاعل هم به کیفیت فعل مجرمانه و هم نامشروع بودن آن تعبیر می‌کنند (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۳۵). بنابراین با توجه به ارتباط مفهوم علم و ادراک، لذا در این قسمت از پژوهش، مفهوم علم با توجه به مفهوم ادراک در حقوق کیفری مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. مفهوم علم و ارتباط آن با ادراک

علم با ادراک به عنوان یکی از ارکان اهلیت جزایی، متفاوت است. ادراک به معنای قدرت و توانایی درک و تمییز ماهیت افعال و آثار و تبعات اخلاقی یا اجتماعی که بر آن‌ها بار می‌شود. این توانایی درک و تمیز به وضعیت ذهنی و عقلی شخص برمی‌گردد (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). بنابراین، ادراک به عنوان یکی از ارکان اهلیت جزایی، ناظر به وضعیت ذهنی فرد، صرف‌نظر از تعیین مصداق است. اهلیت جزایی مقدمه مسئولیت کیفری است یعنی کسی می‌تواند مسئولیت کیفری داشته باشد که اهلیت جزایی دارد (پل ارتباطی بین مجرم و مجازات، مسئولیت کیفری است و پل ارتباطی بین جرم و مجرم، اهلیت جزایی است). بنابراین ادراک، مقدمه علم و آگاهی است، یعنی کسی می‌تواند علم و آگاهی داشته باشد که ادراک داشته باشد. رکن روانی متشکل از دو جزء علم و آگاهی (داشتن یقین نسبت به اجزاء عنصر مادی جرم و به طور کلی عالم بودن نسبت به اجزاء رکن مادی اعم از رفتار مادی فیزیکی، شرایط و اوضاع و احوال لازم و نتیجه حاصله) و اراده و قصد (یعنی تمایل باطنی برای ارتکاب عملیات اجرایی جرم و آشکار نمودن آن از حالت بالقوه به حالت بالفعل) است. وجود یکی از این دو به منزله وجود دیگری نیست و

نیست. با توجه به این مراتب در تحلیل ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان نتیجه گرفت که جهل حکمی مستقیم، هیچ تأثیری بر مسئولیت کیفری و مجازات ندارد اما جهل حکمی غیرمستقیم غیر کیفری، همواره باعث رفع مسئولیت کیفری است و جهل حکمی غیرمستقیم کیفری، اگرچه رافع مسئولیت کیفری نیست اما می‌تواند از کیفیات مخففه مجازات محسوب شود (برای مطالعه بیشتر، ر.ک به صبوری پور، مهدی، رفع مسئولیت کیفری بر اثر جهل حکمی، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره دهم، بهار ۱۳۹۴).

هریک وجود مستقل از دیگری دارند. اما آنچه حائز اهمیت است اینکه، ادراک، علم و قصد هر سه در طول یکدیگر قرار دارند. یعنی صفت عالم، منتسب به کسی است که، ادراک (در حد، درک ماهیت رفتار ارتكابی و درک آثار طبیعی رفتار ارتكابی) داشته باشد. از طرفی دیگر، اراده و قصدی موجب تحقق مسئولیت کیفری می‌گردد که از منشاء علم و آگاهی باشد. به عنوان مثال در حقوق کیفری ایران با توجه به مواد ۱۴۴ و ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص قتل عمدی، اگر رکن روانی را بخواهیم بررسی نماییم، می‌بایست در سه مرحله این امر مورد بررسی قرار گیرد؛ مرحله اول: بررسی ارکان اهلیت جزایی (بلوغ، ادراک و اختیار)^۱، مرحله دوم: علم و آگاهی (یعنی علم به اوصاف، عناصر و شرایط و کیفیات عنصر مادی جرم که توسط قانونگذار پیش‌بینی شده است) و مرحله سوم: بررسی قصد (که شامل عمد در ارتكاب فعل و عمد در واقع شدن فعل بر قربانی معین، که اصطلاحاً این دو تحت عنوان سوءنیت عام مورد بررسی قرار می‌گیرند و متعاقب این دو می‌بایست قصد رسیدن به نتیجه را مورد بررسی قرار گیرد).

مطلب بسیار مهم این است که، اراده تنها به اصل رفتار و عمل ارتكابی تعلق دارد. منظور از اصل رفتار، افعال و ترک فعل‌های مرتکب می‌باشد و شامل موضوع و نتیجه نیست. آنچه که موضوع و نتیجه جرم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد، عنصر علم مرتکب است. شایان ذکر است، ارزیابی اجزای رکن مادی، رفتار مادی فیزیکی را با توجه به عنصر اراده و شرایط و اوضاع احوال خاص از قبیل موضوع جرم، کیفیت ارتكاب جرم را با توجه به عنصر علم و آگاهی و نتیجه حاصله با عنصر اراده و علم ارزیابی می‌گردند.

مشخصات رأی بدوی

شماره دادنامه: شماره ۲۲۲۹۵۸/۱۰۳۹۹۰۰۰۰/۱۴۰۰

تاریخ: ۱۴۰۰/۲/۲۷

عنوان اتهام: تخریب عمدی به صورت آتش سوزی

شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان ایلام

متن رأی بدوی

«... در خصوص اتهام متهم آقای ---، فرزند ---، اهل و ساکن شهرستان ایلام، متاهل،

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون ارکان اهلیت جزایی ر.ک به میرسعیدی، سید منصور (۱۳۹۰)، قلمرو و ارکان مسئولیت کیفری، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.

مسلمان - شیعه مذهب، باسواد، بازداشت از تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ تاکنون به علت عجز از تودیع وثیقه موضوع قرار تأمین کیفری، دایر بر مباشرت در آتش سوزی منزل مسکونی خانم -- (مادر متهم) به ارزش تقریبی هفتصد میلیون ریال خسارت به منزل، بدین توضیح که؛ نامبرده در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ و در شهرستان ایلام، با ریختن مایع اشتعال‌زا (نفت) بر روی تشک اتاق محل استراحت خود، و در داخل منزل شاکی، اقدام به آتش زدن منزل شاکی نموده و باعث از بین رفتن وسایل منزل شاکی گردیده است. علی‌هذا دادگاه با توجه به کیفر خواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان ایلام و ادله موجود در آن (صفحه ۳۴ پرونده)، گزارش اولیه مرجع انتظامی و تحقیقات محلی صورت گرفته، پیرامون صحت آتش‌سوزی توسط متهم (صفحه ۵۱ پرونده)، نظریه کارشناس سازمان آتش‌نشانی مبنی بر این‌که، آتش‌سوزی منزل در اثر مایع اشتعال‌زا (نفت) و به صورت عمدی ایجاد شده است (صفحه ۱۷ پرونده) اظهارات مطلع پیرامون چگونگی آتش‌سوزی توسط متهم (صفحه ۲۷ پرونده)، اقرار صریح و روشن متهم مبنی بر پذیرش اتهام آتش‌سوزی، با این وصف که قصد آتش زدن تشک خود را داشته و عملیات آتش‌سوزی را داخل منزل شاکی انجام داده است، اما قصد آتش زدن منزل شاکی را نداشته است. علی‌ای‌حال دادگاه با دقت‌نظر به اظهارات متهم، پیرامون این‌که: «قصد آتش زدن تشک شخصی خود را داشته، اما قصد آتش‌سوزی منزل شاکی را نداشته است، با این وصف که اقدام به آتش‌سوزی را داخل اتاق محل استقرار خود شروع نموده است»، در این رابطه با توجه به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد: «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرایمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود». در واقع اجزاء تشکیل‌دهنده رکن روانی لازم برای تحقق جرایم عمدی، به صورت یک قاعده پیش فرض، شامل "علم و قصد" می‌باشد و با دقت نظر به قسمت اخیر ماده مذکور دامنه علم را در مواردی به عنوان پوشش‌دهنده اراده و قصد، گسترش داده است. (با توجه به عبارت: "یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.") در تبیین ماده مذکور می‌توان گفت: سطوح مختلف قصد، با توجه به عبارت اخیر، بدین شرح می‌باشد. مطابق قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، در جرایم مقید به نتیجه، شخص در صورتی نسبت به نتیجه مجرمانه قاصد فرض می‌شود که؛

۱. بخواهد آن نتیجه را به بار آورد یا ۲. علم و آگاهی داشته باشد، که نتیجه مذکور در مسیر عادی وقایع و عملیات مادی رخ می‌دهد. بنابراین ماده مذکور در رابطه با عنصر نتیجه، دو درجه متفاوت از قصد را اختصاص داده است، یعنی قصد مستقیم یا سوءنیت مستقیم درجه اول و قصد غیرمستقیم یا سوءنیت مستقیم درجه دوم. الف- قصد مستقیم درجه اول، با وصف قصد صریح برای رسیدن به نتیجه: اولین درجه از قصد (قصد مستقیم/ سوءنیت مستقیم درجه اول) حاکی از حالت ذهنی شخصی است که نه تنها وقوع نتیجه را

پیش‌بینی می‌کند بلکه آن را اراده می‌نماید و در واقع، این معنی واقعی قصد است و قصد به صورت، اراده هدف محور است. در این نوع از قصد اراده فاعل برای نیل به آن نتیجه جهت یافته است. به عبارت دیگر در قصد مستقیم، درجه اول، مرتکب می‌داند که افعال یا ترک افعالش، عناصر مادی جرم موردنظر را محقق می‌کند و او این افعال یا ترک افعال را با قصد واقعی برای به بار آوردن عناصر مادی جرم، انجام می‌دهد. شایان ذکر است که قصد مستقیم پیش‌بینی شده در قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مذکور، با قصد اضافی مورد نیاز در برخی جرایم خاص مانند جرایم علیه امنیت (فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی - تعزیرات ۱۳۷۵ تحت عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور) یکسان نیست. در تعریف جرایم با قصد اضافی، عباراتی از قبیل: به قصد، به قصدبراندازی و با قصد برهم زدن امنیت ملی، کشور و ... که در این موارد قصد خاص یا سوءنیت خاص مورد نیاز این دسته از جرایم (به عنوان قصد اضافی) یک مرحله فراتر از سوءنیت مستقیم درجه اول است و در واقع قصد اضافی شرط تحقق آن جرایم می‌باشد، این سوءنیت اضافی، غالباً از طریق علم واقعی احراز می‌گردد. ب) سوءنیت مستقیم درجه دوم - قصد در رابطه با نتیجه: قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، در جرایم مقید به نتیجه، در رابطه با عنصر نتیجه، جایگزین دومی برای قصد پیش‌بینی می‌کند، بدین ترتیب که مقرر می‌دارد، حتی اگر مجرم قصد وقوع نتیجه غیرقانونی را نداشته باشد، اما در صورتی که آگاه باشد که نتیجه مذکور در روال عادی وقایع رخ خواهد داد فرض می‌شود که قصد نتیجه را داشته است. با توجه به عبارت: «در جرایمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.» در واقع این نوع از سوءنیت در موقعیت‌هایی مطرح می‌شود که مرتکب، بدون داشتن قصد واقعی برای به بار آوردن عناصر مادی جرم موردنظر، از این امر آگاه است که عناصر مذکور، نتیجه ضروری افعال یا ترک افعالش خواهد بود. علی‌ای حال اظهارات متهم، مبنی بر اینکه: «قصد آتش زدن تشک شخصی خود را داشته، اما قصد آتش‌سوزی منزل شاکی را نداشته است، با این وصف که اقدام به آتش‌سوزی را داخل اتاق محل استقرار خود شروع نموده است.» در واقع این اظهارات بیان‌کننده قصد مستقیم درجه دوم می‌باشد. زیرا آتش‌سوزی داخل یک ساختمان واحد صورت گرفته، با این وصف که آتش‌سوزی از داخل اتاق محل استقرار متهم شروع شده است و این امر مشمول قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی است. به عبارت دیگر قسمت اخیر ماده مذکور، عنصر شناختی علم و آگاهی را در برخی موارد جایگزین عنصر اختیاری و قصد نموده است، در واقع، در مواردی که علم و آگاهی نسبت به نتایج طبیعی رفتار مجرمانه به صورت یقینی وجود دارد، اگرچه هدف اصلی مرتکب، ارتکاب جرم دیگری باشد، اما نتیجه مجرمانه‌ای که در دل هدف اصلی قرار داد، با این وصف که مرتکب هیچ اراده‌ای نسبت به آن ندارد، در این حالت علم و آگاهی پوشش‌دهنده عنصر اراده و قصد می‌باشد، و نتیجتاً جرم ارتكابی، علی‌رغم عدم وجود

عنصر اراده، عمدی محسوب می‌شود. در واقع در سوءنیت مستقیم درجه دوم، تمرکز اصلی بر روی عنصر شناختی (علم و آگاهی)، با وصف گسترش دامنه آگاهی بر عنصر نتیجه می‌باشد. و در این رابطه اگرچه مرتکب تمایل مثبت و یا اراده‌ای بر تحقق نتیجه مجرمانه ثانویه ندارد، اما آگاه است که نتیجه مجرمانه‌ای رخ خواهد داد و می‌تواند از وقوع آن جلوگیری نماید، ولی به عملیات اجرایی خود ادامه می‌دهد. از طرفی نیز عملیات اجرایی مرتکب، وقوع نتیجه حتمی و یقینی را به دنبال دارد که وصف سوءنیت مستقیم را به خود گرفته است. موضوع وقوع نتیجه احتمالی یک سطح پایین‌تر از سوءنیت مستقیم درجه دوم و در باب احتمالات قرار می‌گیرد. شایان ذکر است، که سطوح مختلف قصد در طول همدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر، ترتیب سطوح قصد شامل؛ سوءنیت مستقیم درجه یک (با وصف حاکم بودن اراده هدفمند جهت حصول نتیجه)، سوءنیت مستقیم درجه دو (با وصف علم و آگاهی به وقوع نتیجه حتمی و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه)، سوءنیت احتمالی (با وصف علم و آگاهی به وقوع نتیجه احتمالی و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه) و بی‌احتیاطی (با وصف پذیرش ریسک‌های غیرقابل توجیه بصورت عالمانه است، و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه) است و هرچه از سمت بالا به پایین سطوح مختلف توجه شود، در واقع عنصر ارادی بسیار ضعیف می‌شود و برعکس دامنه عنصر شناختی (علم و آگاهی) بسیار گسترده‌تر می‌گردد. علی‌هذا، با توجه به تحلیل ماهوی صورت گرفته و با دقت نظر به ادله استنادی، دادگاه وقوع بزه آتش سوزی در محل مسکونی و توجه آن به متهم را محرز و مسلم تشخیص می‌دهد. شایان ذکر است، تبصره ۱ ماده ۶۷۵ قانون مجازات اسلامی - تعزیرات ۱۳۷۵ که اشعار می‌دارد: «اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت.» قصد ذکر شده در ماده مذکور، قصد اضافی محسوب و یک مرحله بالاتر از سطوح قصد مستقیم درجه اول و دوم می‌باشد.»

۲. مفهوم علم با توجه به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

در سیستم حقوق کیفری ایران، موضوع علم مرتکب هیچ‌گاه در قانون به صورت مستقل مورد بحث قرار نگرفته بود و برای اولین بار قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۱۴۴ و در ذیل رکن روانی جرایم عمدی، به علم مرتکب برای تحقق جرایم و توجه مسئولیت کیفری نسبت به مرتکبین اشاره نموده است. با توجه به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، علم در کنار قصد به عنوان اجزاء رکن روانی جرایم عمدی محسوب می‌گردند، اما این امر به عنوان یک قاعده پیش فرض برای همه جرایم عمدی پیش‌بینی شده است. با توجه به شیوه نگارش ماده مذکور، علم در دو جایگاه مختلف، علم نسبت به موضوع و علم نسبت به حصول

نتیجه در جرایم مقید، مورد استفاده قرار گرفته است. با دقت نظر به قسمت اخیر ماده مذکور، قانون‌گذار علم به حصول نتیجه را جایگزین قصد قرار داده است. در واقع عنصر شناختی (علم و آگاهی)، نسبت به رفتار ارتكابی منجر به نتایج غیرقانونی، جایگزین عنصر قصد می‌گردد. به عبارت دیگر، مجرم با انجام رفتار مجرمانه، با وصف آگاهی به نتایج غیرقانونی، در واقع نشان‌دهنده، تمایل به پذیرش آن نتایج است. اتخاذ این موضع تا زمانی که مجرم، فرض می‌کند که نتایج غیرقانونی رخ خواهد داد، امکان‌پذیر و قابل تصور است. بنابراین، علم در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در دو جایگاه مختلف به کار برده شده است. الف- علم مرتکب نسبت به موضوع جرم (علم در جایگاه واقعی خود و به عنوان یکی از اجزاء رکن روانی)، ب- علم به وقوع نتیجه در جرایم مقید به نتیجه با وصف عدم قصد مستقیم آن نتیجه توسط مرتکب (علم در جایگاه عنصر ارادی و به عنوان جایگزین قصد).

قبل از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، علم جایگزین قصد یا قصد غیرمستقیم، تنها در قتل عمد و در بندهای (ب) و (ج) ماده ۲۰۶ مجازات قانون اسلامی مصوب ۱۳۷۰ پیش‌بینی شده بود، اما سیاست کیفری قانون‌گذار در قانون جدید با پیش‌بینی ماده ۱۴۴ نه تنها تمام جرایم مقید را مشمول این قاعده کرد، بلکه به صراحت و با به کار بردن واژگانی مانند "بداند، آگاه باشد، علم داشته باشد"، به این امر اشاره و شخصی را که دارای قصد مستقیم برای نتیجه نبوده، اما به علت علم یا آگاهی داشتن، مرتکب جرمی گردیده، براساس مقررات جرایم عمدی با وی برخورد نموده است. براین اساس تعیین معیار قصد غیر مستقیم یا به تعبیر ماده ۱۴۴ قانون اسلامی، علم به وقوع نتیجه، مسئله‌ای اساسی است، زیرا براساس این معیار جرایم عمدی و غیر عمدی قابل احراز می‌باشد. در مواردی که قانون‌گذار از واژه "بداند" استفاده نموده و منظور آن قصد غیر مستقیم یا همان قصد مستقیم درجه دوم بوده است، از قبیل؛ ماده ۵۲۱^۱ و تبصره ماده ۵۲۳^۲ از قانون مجازات اسلامی

۱. ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و غالباً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارت و صدمه گردد ضمان ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است.
۲. ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که اشعار می‌دارد: هرگاه شخصی با اذن کسی که حق

مصوب ۱۳۹۲، در این مواد قانون‌گذار با به کار بردن واژه بدانند به قصد غیر مستقیم به عنوان یکی از جایگزین‌های قصد و به تبع آن عمدی محسوب نمودن جرم ارتكابی اشاره نموده است.

در برخی موارد نیز قانون‌گذار از واژه "علم" استفاده نموده است. به عنوان مثال در ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی در رابطه با جنایات ارتكابی در حالت خواب و بیهوشی که شخص با علم به اینکه در حالت خواب و بیهوشی مرتکب جرم می‌شود اشعار می‌دارد: «... مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بیهوش کند.» همچنین در ماده ۱۵۴ قانون اخیرالذکر که در باب مستی و بی‌ارادگی مقرر می‌دارد: «... لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتكاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.»

علاوه بر این دو واژه «علم و بدانند» قانون‌گذار در برخی موارد نیز از واژه "مرتکب آگاه باشد" استفاده نموده است. به عنوان مثال در بندهای «ب و پ» ماده ۲۹۰ و در مقام احصاء مصادیق جنایات عمدی مقرر داشته: «جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: ... ب- هرگاه مرتکب، عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، می‌گردد، هرچند قصد ارتكاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود. پ- هرگاه مرتکب قصد ارتكاب جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته و کاری را هم که انجام داده است، نسبت به افراد متعارف نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن، نمی‌شود لکن در خصوص مجنی‌علیه، به علت بیماری، ضعف، پیری یا هر وضعیت دیگر و یا به علت وضعیت خاص مکانی یا زمانی نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود مشروط بر آنکه مرتکب به وضعیت نامتعارف

اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن دهنده نسبت به آسیب رسانی آن، علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

تبصره - در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه وارد شونده بدانند حیوان مزبور خطرناک است و اذن دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضمان منتفی است.

مجنی علیه یا وضعیت خاص مکانی یا زمانی آگاه و متوجه باشد.» بنابراین با توجه به موارد یاد شده فوق، واژگانی مانند علم، باندان و آگاه باشد در راستای معیار قصد غیرمستقیم یا همان علم به وقوع نتیجه، در حقوق کیفری ایران پیش‌بینی شده است. علم به وقوع نتیجه با توجه به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی در واقع دومین جایگزین قصد محسوب می‌شود و یک حالت استثنایی است و نمی‌توان دامنه آن را بر همه جرایم گسترش داد. از این رو موارد منطبق بر آن تنها باید از سوی قانون‌گذار تصریح شده باشد. در این راستا برخی حقوق‌دانان برای مفاهیم مشابه اظهار داشته‌اند: «نمی‌توان جز در موارد منصوص عمد احتمالی را در ردیف عمد قطعی قرار داد. در موارد غیر منصوص باید آن را در ردیف خطای کیفری محسوب نمود.» (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۴). حال سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مفهوم قصد غیرمستقیم به اعتبار مصداق در حقوق ایران بیان شده است یا به اعتبار معیار؟ در این رابطه باید گفت که علم غالباً به اعتبار معیار آمده است، ولی یک قاعده آن «علم به اعتبار معیار» همواره می‌تواند مصداق‌های تاکیدی یا در برخی موارد مصداق‌های استثنایی داشته باشد.^۱

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش پیرامون این امر صورت گرفته که ضمن مفهوم‌شناسی علم، جایگاه آن در سطوح مختلف قصد با توجه به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی روشن گردد. در این راستا به مفهوم علم در سه مرحله باید توجه نمود. مرحله اول، بررسی علم با توجه به ارکان اهلیت جزایی (بلوغ، ادراک و اراده) که بررسی آن نشان می‌دهد، ادراک، مقدمه لازم برای توجه مسئولیت کیفری نسبت به مرتکب می‌باشد. در واقع انتساب وصف شخص عالم، نسبت به شخصی امکان‌پذیر است که ادراک و اهلیت جزایی داشته باشد. به عبارت دیگر علم و ادراک در طول همدیگر قرار دارند و وجود یکی از آن دو به منزله وجود دیگری نیست. مرحله دوم، بررسی علم و آگاهی به عنوان یکی از اجزاء رکن روانی، یعنی علم به اوصاف، عناصر و

۱. برای مطالعه بیشتر پیرامون علم به وقوع نتیجه، رک به یکرنگی، محمد و عالیپور، حسن. ۱۳۹۴. معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه، دو فصلنامه حقوق، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۳۰۲.

شرایط و کیفیات عنصر مادی جرم که توسط قانونگذار پیش‌بینی شده است. مرحله سوم، بررسی علم به عنوان جایگزین قصد در رابطه قلمرو علم، برخی موارد آنقدر دامنه علم گسترش می‌یابد که علم به عنوان عنصر شناختی، عنصر ارادی را پوشش می‌دهد. در واقع عنصر شناختی علم و آگاهی را در برخی موارد جایگزین عنصر ارادی می‌گردد. به عبارت دیگر، در مواردی که علم و آگاهی نسبت به نتایج طبیعی رفتار مجرمانه به صورت یقینی وجود دارد نتیجه مجرمانه‌ای که در دل هدف اصلی قرار دارد و مرتکب هیچ ارادی نسبت به آن ندارد، تحقق می‌یابد. در این حالت علم و آگاهی پوشش‌دهنده عنصر اراده می‌باشد و نتیجتاً جرم ارتكابی علی‌رغم عدم وجود عنصر اراده، عمدی محسوب می‌شود. در واقع در سوءنیت مستقیم درجه دوم، تمرکز اصلی بر روی عنصر شناختی علم و آگاهی، با وصف گسترش دامنه آگاهی بر عنصر نتیجه است. در این رابطه اگرچه مرتکب تمایل مثبت و یا اراده‌ای بر تحقق نتیجه مجرمانه ثانویه ندارد، اما آگاه است که نتیجه مجرمانه‌ای رخ خواهد داد و می‌تواند از وقوع آن جلوگیری نماید، اما به عملیات اجرایی خود ادامه می‌دهد. از طرفی نیز عملیات اجرایی مرتکب، وقوع نتیجه حتمی و یقینی را به دنبال دارد که وصف سوءنیت مستقیم را به خود گرفته است. و موضوع وقوع نتیجه احتمالی یک سطح پایین‌تر از سوءنیت مستقیم درجه دوم و در باب احتمالات قرار می‌گیرد. در این رابطه قسمت اخیر ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی به صورت محدود، در جرایم مقید، علم به وقوع نتیجه اشاره نموده است.

از دیگر یافته‌های این پژوهش این است که در حقوق کیفری ایران، سطوح مختلف قصد در طول همدیگر قرار دارند. به عبارت دیگر ترتیب سطوح قصد شامل سوءنیت مستقیم درجه یک (با وصف حاکم بودن اراده هدفمند جهت حصول نتیجه)، سوءنیت مستقیم درجه دو (با وصف علم و آگاهی به وقوع نتیجه حتمی و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه)، سوءنیت احتمالی (با وصف علم و آگاهی به وقوع نتیجه احتمالی و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه)، بی‌احتیاطی (با وصف پذیرش ریسک‌های غیرقابل توجیه به صورت عالمانه و عدم اراده و تمایل هدفمند برای وقوع نتیجه مجرمانه) است و هرچه از سمت بالا به پایین سطوح مختلف توجه شود، در واقع عنصر ارادی بسیار ضعیف

می‌شود و برعکس دامنه عنصر شناختی (علم و آگاهی) بسیار گسترده‌تر می‌گردد. این پژوهش همچنین نشان می‌دهد، رفتار عمدی با رفتار ارادی متفاوت است و صرف ارادی بودن عمل مساوی با عمدی بودن آن عمل نیست. اراده تنها به اصل رفتار و عمل ارتكابی تعلق دارد و شامل موضوع و نتیجه نیست و آنچه که موضوع و نتیجه را در کنار اراده پوشش می‌دهد، همان علم و آگاهی است که مقدمه لازمه برای تحقق وصف عمدی است. بنابراین علم به عنوان یکی از اجزا رکن روانی است و تشریح ابعاد مختلف آن باعث می‌شود که مفاهیم اراده و وصف عمدی یا غیر عمدی بودن جرایم مشخص گردد.

منابع

- آقایی جنت مکان، حسین. (۱۳۸۶). مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زیر دستان آنان در حقوق کیفری بین المللی، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
- اردبیلی، محمد علی. (۱۳۹۸)، حقوق کیفری عمومی، جلد اول و دوم، چاپ سی و ششم، تهران، میزان.
- برنجکار، رضا. (۱۳۸۰). حقوق جزای عمومی، چاپ سی و سوم، تهران، میزان.
- خالقی، ابوالفتح و درودی، علی (۱۳۹۴)، فرض قانونی علم و اطلاع نسبت به امور حکمی قانون، فصل نامه حقوق اسلامی، تهران، دوره دوازدهم، شماره چهل و شش.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۸). لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رشنودی، عارف، اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۷)، مسئولیت مبتنی بر فعالیت مجرمانه مشترک در حقوق بین الملل کیفری، فصلنامه آموزشهای حقوق کیفری (دانشگاه رضوی)، پیاپی ۱۶، صص ۳-۳۸.
- صبوری پور، مهدی، رفع مسئولیت کیفری بر اثر جهل حکمی (۱۳۹۴)، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره دهم.
- محسنی، مرتضی، (۱۳۷۵)، حقوق جزای عمومی، چاپ اول، تهران، گنج دانش.
- معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- میرسعیدی، سید منصور. (۱۳۹۰). قلمرو و ارکان مسئولیت کیفری، چاپ سوم، تهران، انتشارات میزان.
- میرزایی، زهرا، خالقی، ابوالفتح، (۱۳۹۹) معیارهای پذیرش اشتباه در سیستم های کیفری ملی و دیوان کیفری بین المللی، فقه، حقوق و علوم جزا، دوره ۵، شماره ۱۵.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۲) حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)، چاپ یازدهم، تهران، میزان.
- نجیب حسنی، محمود، (۱۳۹۳) نظریه عمومی قصد جنایی، ترجمه؛ سید علی عباس نیاس زارع، چاپ اول، تهران انتشارات میزان.

- یکرنگی، محمد و عالیپور، حسن، ۱۳۹۴، معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه، دو فصلنامه حقوق، مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه تهران، دوره ۲، شماره ۳ و ۲.